ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد و معلوم گرديد که ابرار…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ٧

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد و معلوم گرديد که ابرار از آزادی اين اسير آن زلف مشکبار آهنگ فرح و سرور بلند کردند و جشن طرب و حبور برپا نمودند و بزم شادمانی و کامرانی آراستند اين جذب و وله و شادی و طرب واضح است که منبعث از انجذابات روحانيّه است ولی عبدالبهاء را اسيری آزادی است و آزادی اسيری بند رهائی است و زندان ايوان آسمانی الحمد للّه با بلا انس يافته و عادت و خوی گرفته زيرا از مصائب سبيل الهی حيات خويش را نتيجه يافته حال به چه دل خوش نمايد و به چه بشارتی مسرور و شادمان گردد نه بند و زنجيری و نه سلاسل و اغلالی و نه حبس و هوانی و نه حصر و ناتوانی نه ضرب و قتلی نه طرد و منعی نه عذابی نه جفائی و بعد از اين چه ثبات و وفائی در يکی از الواح مبارک در عراق نازل که بلايا و رزايا و محن و منايا برهان عاشق صادق است و مشتاق موافق هر مدّعی جويان شاهد است و عاشق و طالب گواه اين است که مشتاقان روی دوست را آرزوی دل و جان شماتت اعدا و ملامت اهل بغضا و اذيّت شديد و زنجير و حديد بلکه سيف و سنان و تيغ و سهام و جور و جفا و زهر و بلاست اين ميزان است و هر کس آرزو ننمايد قد فرّ من الميدان…

